



#### راش

### 🔗 نامه اعتراضی کانون کارگردانان

کانون کارگردانان سینمای ایران طی نامه‌ای به ریاست سازمان سینمایی نسبت به بی‌توجهی سازمان سینمایی در شرایط کرونایی اعتراض کرد.

به گزارش جام جم، متن نامه به این شرح است: «جناب آقای دکتر حسین انظمی- ریاست محترم سازمان سینمایی- همانگونه که مستحضری‌د در ایام سخت شیوع کرونا، تعطیلی پروژه‌ها و سالن‌های سینما باعث شده تمامی اهالی سینما، خصوصا صنف کارگری خانه سینما دستخوش بحران معیشتی شوند.

در چنین شرایطی تمامی سینماگران از حضرتعالی توقع همراهی و همدلی داشتند که متأسفانه تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است.

کانون کارگردانان سینمای ایران همواره نسبت به بی‌توجهی شما به صنف سینمایی غیرتپیه‌کنندگی گلا‌به‌مند بوده و نمونه‌اش عدم حضور حتی يك عضو غیرتپیه‌کننده صنفی در کارگروه بررسی آسیب‌های کرونا در سینما است.

کانون کارگردانان سینمای ایران تخصیص مبلغ ۵۰۰ هزار تومان عیدی یا کمک‌رفاهی‌ا یا هر عنوان دیگری آن هم با‌منت و ضرب الاجل و با حذف درصد بالایی از اهالی صنف را در شان سینمای ایران نمی‌دانند، چراکه معتقد است تمامی اعضا از حقوقی یکسان برخوردارند و در این شرایط سخت می‌بایست مبلغی مناسب‌تر برای جبران بیکاری و خانه نشینی به همه اهالی خانه سینما تعلق می‌گرفت.



ای کاش در این روزها به جای انتشار پیش نویس نظام نامه تهیه‌کنندگی برای پیش‌نویس به زمین‌مانده بیمه بیکاری یا حمایت از سینماگران خصوصا صنف کارگری سینما پیشقدم می‌شدید.

لذا در اعتراض به این شرایط و همراهی با صنف سینمایی ترجیح می‌دهیم مبلغ عیدی کانون کارگردانان که به‌کمتر از يك سوم اعضا تعلق می‌گیرد را دریافت نکنیم زیرا اعتقاد داریم رقم فوق مفهوم تأمین رفاهی را برای هیچ یک از صنف سینمایی در این شرایط سخت و دشوار کرونایی نمی‌دهد و تنها یک رفع تکلیف ساده‌انگارانه است. با آرزوی سلامتی، کانون کارگردانان سینمای ایران»

### 🔗 روایت مستند بازماندگان قوم قزاق

فیلم مستند مردم‌نگارانه «وت باسی» به کارگردانی مهسا طاهری با موضوع روایتی از بازماندگان قوم قزاق در ایران آماده نمایش شد.

به گزارش جام‌جم، مهاجرت قزاق‌ها از سرزمین خود به ایران در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۱۵ به‌دلیل فشار استالین آغاز شد. در آن سال‌ها تعداد بسیاری از قزاق‌ها از منطقه سیاه‌کوه (منقشلاق) در جنوب غربی قزاقستان در حاشیه دریای خزر از مرزهای شمالی ایران و باگذشتن از ترکمنستان و مواجهه با عشایر ترکمن که گاه منجر به درگیری می‌شد، وارد خاک ایران شدند. آنها بیشتر در سه شهر گرگان، گنبد و بندرترکمن ساکن شدند و در هرسه شهر محل اصلی اقامت آنها «قزاق‌محله» نام دارد و هم‌اکنون بیش از ۱۵ هزار نفر قزاق در ایران زندگی می‌کنند.

«وت باسی» در زبان قزاقی به معنای بزرگ خاندان است و در این مستند از زاویه دید دو نفر از بزرگان قوم قزاق در ایران به آداب و رسوم و سنن مختلف این قوم پرداخته شده است. قزاق محله را همه در گرگان می‌شناسند. محله‌ای که در مرکز شهر قرار گرفته و اهالی‌اش زردپوست هستند و چشمانی بادامی دارند و با گذشت ۹۰ سال سکونت در شهرهای بندرترکمن، گنبدکاووس و گرگان همچنان از لباس‌های بومی قزاقی استفاده می‌کنند.

مستند مردم‌نگارانه «وت باسی» در قالب يك مستند نیمه بلند به نویسندگی و کارگردانی مهسا طاهری و تهیه‌کنندگی عطا پناهی تولید شده در خانه مستند و محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است.



مسیر در سینمای ایران محسوب می‌شویم. حاتم‌کیا ادامه داد: امیدوارم خدایی نکرده داندلودی صورت نگیرد و به شکل غیرقانونی فیلم پخش نشود. البته معتقدم مردم ما در حوزه‌های فرهنگی به قدری فهیم شده‌اند که می‌دانند این کار یعنی ضربه زدن به ارکان تهیه این فیلم.



این جشن تولد متعلق به سال‌های پیش از کروناست / عکس: معصید آزاد - جام جم

#### می‌کنید و کمی از آن را می‌بینید یا نه؟

حقیقتش از آنها فراری هستم. پدرسالار را که سال‌هاست ندیده‌ام. اما این‌که مردم هنوز در بازپخش‌ها آن را می‌بینند و دوست دارند، خوشحال می‌شوم. فیلم برادرم خسرو را هم همان دوره و در جشنواره، چهار پنج بار دیدم و دیگر آن را ندیدم و دوست نداشتم آن را ببینم. نه دوست دارم خودم را ببینم- چون هر بار که بازی خودم را می‌بینم، متوجه می‌شوم اشکالات دار زیاد می‌شود... و نه خود فیلم را، چون آثاری از این دست که تلخ هستند مرا افسرده و حالم را بد می‌کنند. خانه پدری را هم يك بار بیشتر ندیدم و دیگر نمی‌خواهم ببینم. این مربوط به روحیه من می‌شود.

🔗 **فکر کنم میزان کتک‌کاری‌هایتان در این دو فیلم، از دعوای کلی زندگی‌تان بیشتر بود!**

(می‌خندد) برای من که از دعوا و کتک‌کاری دو نفر در خیابان فراری هستم و از خودم خجالت می‌کشم، بازی‌کردن در نقش چنین آدم‌هایی سخت و جالب است. 🔗 **گفتید که چند قسمتی از سریال کامیون با بازی برادران، آقای مهدی هاشمی را هم دیدید. نظراتان چیست؟ اساسا فارغ از تعارفات برادرانه، درباره کارهای همدیگر نظر می‌دهید و آن را نقد می‌کنید؟**

فکری می‌کنم کلا از هم شناخت داریم و طی سال‌ها زندگی و صحبت، هر دو از نظرات هم مطلع هستیم. نظراتمان خیلی به هم نزدیک است؛ مگر این‌که نکته جدیدی پیش بیاید و صحبت کنیم. خود مهدی این قدر آدم باهوشی است که همه اینها را می‌داند و خودش کارهایش را دسته‌بندی کرده است. جدا از این، کار ما بازیگران طوری است که جای فراوانی برای نقد و نظر دارد. از این جهت خوش به حال کسانی که پشت دوربین هستند. هر بازیگری حتی آنهایی که درجه يك هستند، گاهی اوج‌هایی دارند و گاهی هم در يك چاله‌هایی می‌افتند؛ ضمن این‌که بازیگرانی که در ایران هستند، شرایط بازیگران آمریکایی و اروپایی را ندارند. اینجا يك بازیگر باید کار کند تا زندگی کند و کسی به کمکش نمی‌آید. اینجا ممکن است بازیگری شناخته‌شده که نشان داده مهارت دارد، به دلیل شرایط زندگی، در چاه و چاله‌ای بیفتد. این چیزهایی که می‌گویم به طور کلی است و ربطی به مهدی ندارد.

🔗 **البته با همین صحبت‌ها، نقدتان دریافت شد!**

(می‌خندد) حتما مهدی دلایلی برای حضورش در این سریال و هر کار دیگری دارد و خودش بهتر از هر کسی می‌تواند درباره آن صحبت کند. به هرحال این فیلم‌ها و سریال‌ها ساخته می‌شود و مردم و منتقدان هم می‌بینند و نظر می‌دهند و این جریان ادامه دارد.

ناصر هاشمی هنگام دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره فیلم‌های ایرانی در استرالیا برای بازی در «برادرم خسرو»

#### فیلم‌ها به جای سالن‌های سینما از طریق پخش آنلاین و VOD چیست؟

درست است که با اندازه بزرگ تلویزیون‌های خانگی، می‌توان فیلم‌ها را به خوبی و باکیفیت و جذابیت در خانه دید، اما مثل سینما نیست. من شخصا سینما را دوست دارم و دلم می‌خواهد فیلم را در سالن ببینم. در وهله اول، حضور در سالن سینما برایم جذاب است و بعد خود فیلم را باید در سینما دید. امیدوارم این روزها زود بگذرد و دوباره مردم در سالن‌های سینما فیلم ببینند. در خانه بهتر است آدم سریال یا فیلم تلویزیونی ببیند.

🔗 **یکی از اتفاقات فرهنگی مرتبط با این روزها، جشنواره مونولوگ ۹۹ ثانیه در قرنطینه است که مدتی قبل فراخوان آن در اینستاگرام منتشر شده که شما سرشناس‌ترین داور آن هستید و قرار است همراه وحید آقاپور، فهیمه اسمن‌زاده، گیتی قاسمی و فریدون معراجی آثار را سالی را دوری کنید. توضیح مختصری درباره آن می‌دهید؟**

یکی از همکاران جوان ما، يك کارگردان تئاتر مدتی قبل تماس گرفت و گفت می‌خواهیم چنین کاری را انجام دهیم. گفت این جشنواره را يك موسسه خیریه برگزار خواهد کرد. من هم موافقت کردم، به همین راحتی. دیدم که کار خوب و خیری است و عده‌ای از جوان‌ها را در این روزها به کار و تلاش و فکر وامی‌دارد. علاقه‌مندان می‌توانند ۹۹ ثانیه از خود فیلم بگیرند و در قالب مونولوگ، راوی روزهای قرنطینگی خود باشند.

🔗 **داوری‌تان هم حتما از راه دور و از خانه خواهد بود؟**

بله، چون ما حتی می‌ترسیم برای خرید از بقالی نزدیک خانه‌مان از خانه خارج شویم، چه برسد به این‌که بخواهیم جلسه مشترک داور۱ داشته باشیم! (می‌خندد)

🔗 **در این روزهای اخیر، چند کار موفق قدیمی و جدید شما از تلویزیون و شبکه نمایش خانگی چندباره پخش می‌شود، از جمله سریال پدرسالار و فیلم برادرم خسرو. مواجهه خودتان با آثار چطور است؟ یعنی اگر ببینید شبکه‌ای دارد این کارها را پخش می‌کند، مکث**



بوده که در سال جدید فیلم‌هایمان اکران می‌شد ولی با وضعیت کرونایی که پیش آمده این امکان از ما سلب شده و آینده مبهمی در مقابل ماست که نمی‌دانیم چه اتفاقی خواهد افتاد. بر همین اساس عزیزان تصمیم گرفتند به روش اینترنتی این کار را انجام دهیم که تا امروز در سینمای ایران رخ نداده بود و ما پیشگامان این

### گفت و گو با ناصر هاشمی، به مناسبت تولدش

# بازیگران بیشتر سال قرنطینه‌اند

🔗 **همین سرچراغی پیشنهاد می‌کنم بزنیم به تخته و اسپندی دود کنیم؛ چون صحبت از سن و سال ناصر هاشمی، بازیگر خوب و دوست داشتنی است که بتازگی ۶۴ ساله شده. راز این جوانتر ماندن نسبت به شناسنامه هرچه باشد، از جمله مسائل ژنتیکی، زندگی، سالم و مراقبت از خود و تلاش برای دور۱ از اتفاقات بد، نتیجه‌اش را درباره هاشمی به فال نيك می‌گیریم و همراه او ماهم قدر دان طبیعت و سرنوشت هستیم. این مناسبت، بهانه‌ای شد تا سراغ این بازیگر، نویسنده و کارگردان تلویزیون و سینما برویم و درباره این روزهای کرونایی با او حرف بزنیم. هاشمی همچنین داور رویدادی نمایشی هم است؛ جشنواره مونولوگ ۹۹ ثانیه در قرنطینه که مدتی قبل فراخوان آن در فضای مجازی منتشر شده و علاقه‌مندان تا پایان فروردین فرصت دارند که آثار خود را برای این جشنواره به نشانی صفحه mehrigiti یا شماره واتس‌آپ +۹۰۲۷۹۰۳۱۷۰ در اینستاگرام ارسال کنند.**



علی رستگار  
سینما

🔗 **تولد در دوران کرونایی چه شکلی است؟ خاصوش کردن شمع‌ها با سشوار و دریافت تبریکات از طریق فضای مجازی و حواله دادن کادوها به روزهای بعد از کرونا؟!**

(می‌خندد) من که اصلا می‌خواهم کسی متوجه نشود تولدم چه زمانی است. سن هم که بالا می‌رود، فشاری به آدم وارد می‌شود و نگرانی‌ها را بیشتر می‌کند. از طرف دیگر خیلی توقع تبریک گفتن از دیگران ندارم و علاقه مند نیستم به صورت ناخودآگاه، افرادی برای هدیه دادن به من تحت فشار قرار بگیرند. برای همین از این مساله دور۱ می‌کنم؛ با این حال روز تولدم، روز خوبی بود و همسر هم کبکی پخت و جشن تولدی دو نفره برگزار شد، شمع‌های کيك را هم خودم فوت کردم.

🔗 **در این روزهای قرنطینه چه می‌کنید؟**

بخشی از زندگی من و بسیاری از همکارانم که معمولا در قرنطینه است و بیکاری که زیاد داریم؛ به همین دلیل این خانه ماندن برای من خیلی غریب نبود. تنها می‌ماند فشاری که برای رعایت بیش از حد بهداشت به آدم وارد می‌شود. اوضاع به حدی است که وسواسی شده‌ایم. هر وقت که باید برای کاری ضروری بیرون برویم، تبدیل به عذاب۱ می‌شود. برگشت به خانه هم وضعیت خاص خودش را دارد. دستمان به جایی نخورد، این لباس‌ها را کجا بگذاریم، بیرون از در که نمی‌شود و ... شبیه این فیلم‌های کارتون روی پنجه پا می‌رویم و لباس‌هایی را که بیرون از خانه پوشیده بودیم، در بالکن می‌گذاریم. دوباره بعد از دو سه روز که برای خرید بعدی می‌خواهیم بیرون برویم، از خودمان می‌پرسیم آیا ویروس‌ها رفته‌اند یا نه. دست سستن‌هایی که به‌طور طبیعی آن را انجام می‌دادیم، الان چند برابر شده است. خلاصه این‌که با مجموعه‌ای از نگرانی‌ها طرف هستیم.

🔗 **چه کتاب‌هایی خوانده‌اید؟ چه فیلم‌ها و سریال‌هایی دیده‌اید؟**

اول بگویم که این شبکه مستند خودمان را خیلی دوست دارم و خیلی فیلم‌ها و برنامه‌های خوبی نشان می‌هد، از آشنیزی چینی بگیرید تا مجموعه مستند پرتزه «دکوپاز». از فیلم‌های خوبی که این اواخر دیدم، باید به ۱۹۱۷ اشاره کنم. فیلم «استن و آلی» را هم دیدم که درباره لورل و هاردی بود. بازی‌های این فیلم خیلی برایم جذاب بود. فیلم لطیف، دوست‌داشتنی و کم و بیش غمگینی است. از سریال‌های ایرانی هم که پایتخت را می‌دیدم و قسمت‌هایی از سریال کامیون را. درباره کتاب هم که شب‌ها به‌طور معمول سعدی می‌خوانم. هفته قبل هم خواندن کتاب خوب و تأثیرگذاری را تمام کردم به نام محاکمات نورزبیرگ نوشته جان داوئیپورت که فیلم مشهوری هم از روی آن ساخته شد. این روزها هم کتاب جالبی به نام خلسه را می‌خوانم. نوشته اعتماد السلطنه، او کتاب معروف و قطوری دارد به نام روزنامه خاطرات. به جز اینها ردیف کتاب‌هایی وجود دارد که باید به‌تدریج سراغ آنها هم بروم.

🔗 **احیانا در این روزها جمله یا مطلبی خوانده‌اید که**

**با حال و هوای کرونایی نسبت۱ داشته باشد؟** راستش من می‌خوانم و رد می‌شوم و یادم می‌رود، مثل قطرات آبی که روی زمین ریخته و بعد محو می‌شود. البته به شکل ناخودآگاه این مطالعات به ذهن رسوخ می‌کند و جزئی از من می‌شود. اما در همین کتاب محاکمات نورزبرگ که به محاکمه‌های نیروهای آلمان نازی می‌پردازد، به جز بحث‌هایی که درباره وطن، ملیت و... می‌شود، موضوع مصالحه پیش می‌آید و قرار می‌شود محاکمه‌کنندگان و محاکمه‌شوندگان با هم توافق کنند. بعضی از محاکمه‌کنندگان می‌گویند که باید برای ادامه زندگی سخت نگیریم. اما قاضی اصلی می‌گوید این درست، اما زندگی به چه قیمتی؛ آدم باید برای زندگی، هدف داشته باشد. تاکید او بر ایده‌آل‌ها و آرمان‌هاست. این بحث مرا دوباره متوجه واقعیت‌هایی فراتر از این زندگی روزمره کرد، این‌که ما باید برای چه چیزی زندگی کنیم؟ صحبت از معنویت۱ است که باید به آن سمت برویم. اگر امروز و در این وضعیت هم برای زنده ماندن تلاش می‌کنیم، این موضوع را باید در نظر داشته باشیم. چون در زندگی روزمره، افکار آدم کوچک شده و مسائل پیش پا افتاده باعث می‌شود آدم آن افق را فراموش کند. از این جهت خواندن این کتاب و این موضوع، یادآوری خوبی برایم بود.

🔗 **چیزی هم در این روزها نوشتید؟**

روی نمایشنامه‌ای کار می‌کنم که آن را می‌نویسم و خط می‌زنم، اما در این روزها فشاری روی ذهن آدم است که کار نوشتن را سخت می‌کند.

🔗 **پیشنهاد بازیگری یا تصمیم کارگردانی چطور؟ البته وقتی پروسه فیلمسازی متوقف است، احتمالا نباید پیشنهادی هم در کار باشد.**

قبل از عید دو مورد پیشنهاد بازیگری شد، از جمله يك کار کودک که قرار بود اوایل اسفند کليد بخورد، اما به دلیل جدی‌تر شدن داستان کرونا تولید آن فعلا متوقف شده است.

🔗 **کرونا روی همه مشاغل از جمله سینما، تئاتر و تلویزیون تأثیر منفی گذاشته است. نظراتان درباره اکران**

## يك پیشنهاد ضدکرونایی

همه حرف‌ها درباره مراقبت‌های بهداشتی و حفظ سلامت و در خانه ماندن و مطالعه کردن و... در این روزهای کرونایی گفته شده که خیلی هم درست است و باید آنها را جدی گرفت. البته حرف‌های این طوری اگر از اندازه خودش خارج شود، حالت پند و نصیحت به خودش می‌گیرد. اما جدا از اینها من با خودم فکر می‌کنم: آیا می‌شود آدم يك روزی از خواب بلند شود و بگوید تمام شد و کرونا رفت؟ درحالی که این طوری نیست، یعنی باید کمی دورتر را ببینیم. البته چه بهتر که این اتفاق بیفتد و کرونا یکبارها از بین برود، اما به نظر می‌رسد این مساله ادامه دارد. پس ما باید برای ماه‌های آینده برنامه‌ریزی داشته باشیم. جدا از این که خودمان را کنترل کنیم تا از این فشار و عصبیت رها شویم، باید کمک کنیم که NGO ها و تشکیلات مردمی شکل بگیرند. قدیم‌ها این طوری بود که افراد کوی و محل و برزن به داد همدیگر می‌رسیدند. دولت، تشکیلات مردمی، بزرگان، ثروتمندان، متفکران و خیرین باید به کمک هم بیایند تا هوای همدیگر را به‌ویژه از نظر اقتصادی داشته باشیم.

